

تحلیل گفتمان کنش‌های گفتاری در آیات جهاد

ابراهیم ابراهیمی*

دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

فاطمه دسترنج

استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۴)

چکیده

مفهوم جنگ و جهاد یکی از جستارهای چالش‌برانگیزی است که عدم فهم صحیح آن، پیامدهای سوئی به دنبال داشته است. از آنجا که در آیات قرآن مفهوم جهاد، امری مقدس و متعالی به شمار می‌رود و قرآن کریم در آیات بسیار و تعابیر مختلف به این موضوع پرداخته است، تحلیل صحیح الگوی بیانی قرآن و نحوه کاربست افعال می‌تواند به فهم روشمند آیات جهاد مدد رساند. از این‌رو در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل گفتمان افعال گفتاری در آیات جهاد پرداخته شد و این نتیجه حاصل آمد که باید برای رسیدن به فعل مضمون در سخن که همان مقصود گوینده است، به ترکیب جامعی از نظام‌های گفتمانی برآمده از افعال گفتاری، نظر داشت. از این رو نظام‌های گفتمانی هوشمند، احساسی و رخدادی که با عنایت به افعال گفتاری آیات جهاد تحلیل شده‌اند، در ترکیب با یکدیگر تحلیل گفتمان جامع آیات جهاد را روشن می‌سازند. این گفتمان، گفتمانی ارشادی است که در کنار گفتمان هوشمند، از فشارهای تنشی-عاطفی و احساسی و نیز گفتمان رخدادی مبتنی بر مشیت الهی نیز بهره می‌برد. در واقع افعال گفتاری، به شکل‌گیری نظام گفتمانی هوشمند در آیات جهاد، کمک کرده و زمینه را برای انجام کنش، فراهم می‌کند. نظام گفتمانی احساسی نیز در قالب افعال گفتاری عاطفی و ترغیبی، گفتمان شور و شعور را کامل می‌نمایند. نظام گفتمانی رخدادی نیز در قالب افعال گفتاری تعهدی به مرجعی فراتر و مانا اشاره دارد و روشن می‌سازد مشیت الهی، نصرت و یاری مجاهدان در راه خداست.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تحلیل گفتمان، جهاد، افعال گفتاری.

* Email: ebrahimi978@aut.ac.ir (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

جنگ و جهاد در تاریخ حیات بشری همواره به عنوان یک واقعیت اجتماعی مطرح بوده است. لذا مفهوم جنگ و جهاد یکی از جستارهای چالش برانگیزی است که عدم فهم صحیح آن، پیامدهای سونئی به دنبال داشته است. در آیات بسیاری از قرآن کریم به طور ویژه از مسأله جهاد یاد شده است و جهاد در مفهوم قرآنی، امری مقدس و متعالی به شمار می‌ورد. با این حجم از اهمیت، عدم خوانش صحیح از این آیات، زمینه طرح شبهات پیرامون این موضوع را فراهم نموده تا جایی که در نظر عده‌ای اسلام دین خشونت و جنگ تلقی می‌شود. به عنوان مثال برخی از مستشرقان می‌گویند که پیامبر (ص) بعد از هجرت به مدینه تغییر شخصیت داد. او گر چه در مکه بشیر و نذیر بود و مردم را به مکارم اخلاقی فرا می‌خواند، ولی در مدینه شمشیر به دست گرفته و به یک فرمانده نظامی تبدیل شد (ر.ک؛ گلدزیهر، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۸). لذا ارائه تصویر مناسب از گفتمان قرآنی جهاد ضرورتی غیر قابل انکار است.

روشن است که توجه به سطح زبانی گفتمان قرآن و تحلیل آیات از یک سو و نیز توجه به سطح فرازبانی و تأثیر عوامل برون زبانی از سوی دیگر در شناخت معنا و تفسیر آیات قرآن نقشی اساسی ایفا می‌کند. تغییر در تحلیل گفتمان آیات الهی، منجر به تفسیرهای متفاوت و گاه ناروا از آیات الهی خواهد شد. علی رغم این که در برخی از آیات به وجوب جهاد تصریح شده است، اما این موضوع همواره با چالش‌هایی از سوی برخی علما و روشنفکران و نو اندیشان دینی روبه‌رو بوده است. وجود تفکر مسامحه‌نگر که در هر حالت و با هر اقتضایی صلح را مقدم و همیشه در اولویت می‌دانند و به مسأله‌ای تحت عنوان «جهاد» و وجوب آن در برخی زمان‌ها، باوری ندارند و جهاد را مساوی جنگ و جهاد را مساوی خشونت و خشونت را عملی ضد انسانی قلمداد می‌کنند، از یک سو و از سوی دیگر، وجود جریانات سلفی که انواع خشونت‌ها و جنگ افروزی‌ها را ذیل نام مقدس «جهاد» به نمایش می‌گذارند؛ ضرورت پرداختن به این موضوع را در نوشتار حاضر روشن می‌سازد.

از این رو در این پژوهش با عنایت به رویکردهای زبانشناختی درصدد تحلیل گفتمان آیات جهاد هستیم. با عنایت به افعال گفتاری در آیات جهاد می‌توان خوانشی نظامند از این آیات ارائه داد. این امر به تحلیل گفتمان مطرح شده در آیات جهاد کمک می‌نماید. تحلیل گفتمان (discourse analysis) که از جمله مباحث مهم نقد نوین می‌باشد، روشی تحلیلی-کیفی است که برای فهم محتوا و ساختار مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو نوشتار حاضر در صدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با پرداختن به آیات جهاد که به گونه صریح و غیر صریح در قرآن به این دامنه معنایی اشاره دارند به این سؤال اساسی پاسخ دهد که تحلیل گفتمان افعال کنشی در آیات جهاد چه نتایجی را در بردارد؟

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص مسأله جهاد و آیات جهاد مقالات متعددی نگاشته شده است. به عنوان مثال در مقاله «گستره مفهوم جهاد به مثابه قتال در اندیشه سید قطب و علامه طباطبایی» (۱۳۹۶) که توسط یوسف نجفی نگاشته شده است، نویسنده به دنبال برقراری ارتباط میان آیات مبنی بر عدم اکراه در پذیرش دین و آیات مبارزه و قتال با مخالفان و دشمنان دین است. همچنین موحد شیرین کار و محسن اکبری با نگارش مقاله «بازخوانی آراء مفسران سده اخیر در آیات جهاد» (۱۳۹۵) به بررسی آرای مفسران سده اخیر پیرامون جهاد پرداخته‌اند. اما هیچ پژوهشی به طور مستقل به بررسی آیات جهاد از زاویه تحلیل گفتمان پرداخته است. لذا این پژوهش ابتدا با تتبع در آیات جهاد، نحوه کاربست افعال را با استفاده از رویکرد کنش گفتاری تحلیل و سپس گفتمان افعال کنشی را تحلیل می‌نماید.

۳. روش پژوهش

این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و با رویکرد نظریه کنش گفتاری که خود زیر شاخه‌ای از تحلیل گفتمان است، انجام گرفته است. مطالعه موردی در این پژوهش آیات جهاد در قرآن کریم است که به دو صورت صریح و غیر صریح به حوزه دامنه معنایی جهاد، قتال، حرب و غزوه مرتبط می‌شوند. آیات مصرّح جهاد، دسته‌ای از آیات هستند که در آنها به جهاد نظامی با دشمنان اسلام در راه رضای خداوند سخن به میان رفته است. این آیات شامل ۲۱ آیه با ماده «جهاد» و مشتقات آن و ۶۱ آیه با ماده «قتل» و مشتقات آن است که در مجموع ۸۲ آیه می‌شوند که در ۱۸ سوره از قرآن کریم وجود دارند. آیات غیر مصرّح جهاد نیز آیاتی هستند که اشاره به فضای جهاد و لوازم و بسترهای آن دارند اما در هیچ‌یک از آنها واژگان دامنه مفهومی جهاد به کار نرفته است. تعداد این آیات در مجموع ۸۲ آیه می‌باشد. با مطالعه و بررسی این دو دسته از آیات، دریافتیم که این آیات هر یک عهده‌دار انتقال قسمتی از مسائل جهاد هستند. گونه‌بندی این آیات را می‌توان به صورت آیات ناظر به وجوب جهاد، آیات ناظر به اهداف جهاد، آیات ناظر به قوانین و آداب جهاد، آیات ناظر به پاداش جهاد، آیات ناظر به آمادگی و تشویق به جهاد، آیات ناظر به اوصاف و مسائل جهادکنندگان، آیات ناظر به تخلف کنندگان از جهاد و آیات ناظر به مقام و برتری جهاد بر سایر اعمال بیان داشت. با عنایت به این آیات در بخش اول به صورت آماری به استخراج افعال کنش‌های گفتاری به تفکیک هر کدام از انواع کنش‌های گفتاری بنابر دسته‌بندی سرل خواهیم پرداخت. در بخش دوم نیز با عنایت به نظام‌های گفتمانی، تحلیل گفتمان افعال گفتاری در آیات جهاد صورت می‌پذیرد.

۴. مفهوم‌شناسی جهاد در قرآن

جهاد از ریشه «جهد» است. فراهیدی «الجهد» را چیز کمی می‌داند که انسان با آن زندگی سختی را می‌گذرانند و «الجهد» را رسیدن به غایت امری با تلاش در آن معنا می‌کند (ر.ک؛

فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۸۶). برخی لغویان «جهد» و «جهد» را به معنای تلاش انسان در بالاترین حد قوت و طاقت خود می‌دانند (ر.ک؛ ابن درید، ۱۹۹۸، ج ۳: ۱۲۵۹؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۶: ۲۶) بنابراین تفسیر این واژه به وسع، طاقت، مشقت، نهایت، غایت و غیره از لوازم معنای آن است (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۱۵۰). در اصطلاح، جهاد عبارت از بذل جان و مال است به طریقی مخصوص برای جنگ با مشرکان و یا افراد یاغی در راه اعتلای کلمه اسلام (ر.ک؛ نجفی، ۱۴۱۳ ج ۲۱: ۳؛ جبعی عاملی، بی تا، ج ۲: ۳۷۹). بنابراین در اصطلاح به کوشش و تلاشی که همراه با بذل جان و مال برای مقابله و مبارزه با دشمنان دین خدا و در راه خدا صورت می‌پذیرد، جهاد گفته می‌شود.

شاید بتوان نزدیک‌ترین واژه به معنای جهاد را واژه «حرب و محاربه» دانست. که مشتقات آن در یازده آیه بکار رفته است. منظور از حرب جنگی است که فرد قصد ستیزه با خدا و رسول خدا را دارد. تمامی موارد کاربرد حرب و محاربه نیز در تقابل با جهاد فی سبیل الله است (ر.ک؛ قاسم‌پور و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۴).

«غزو» واژه دیگری در معنای جنگ و جهاد است که یکبار در آیه ۱۵۶ سوره آل عمران بکار رفته است. غزو در معنای قصد همراه با عمل به کار می‌رود که از مصادیق آن، حرکت به سوی دشمن و اراده جنگ با آنهاست (ر.ک؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۶: ۳۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷: ۲۶۸). واژه غزو با آن بخش از معنای واژه جهاد که جهاد مسلحانه و نظامی است قرابت معنایی دارد.

ماده «قتل» نیز ۱۷۰ بار در ۳۳ سوره و در ۱۲۲ آیه در قرآن کریم به کار رفته است (ر.ک؛ عبدالباقی، ۱۳۶۴: ۵۳۳-۵۳۶). اصل واژه «قتل» به معنای ازاله روح از بدن است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۶۵۵). در تفاوت جهاد و قتال می‌توان گفت که قتال منحصرأ بر برخورد نظامی دلالت می‌کند اما جهاد مفهومی وسیع‌تر از قتال دارد و مصداق آن منحصر در مبارزه نظامی نیست (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۲۳۷-۲۳۹). قتال در قرآن کریم لزوماً در معانی مقدس و به معنای جهاد به کار نرفته است، بلکه به جنگ‌ها و اقدام‌های نظامی کفار و مشرکان نیز اطلاق

شده است. اگرچه در برخی آیات با «جهاد» مترادف است و این ترادف از قید «فی سبیل الله» فهمیده می‌شود (ر.ک؛ اکبری و شیرین‌کار، ۱۳۹۵: ۴۸).

۵. گونه‌شناسی افعال کنشی در آیات جهاد

تحلیل و گونه‌شناسی کنش‌ها و افعال گفتاری به مثابه حلقه رابطی است که نظریه‌های انتزاعی زبان‌شناسی را با واقعیت و مشاهدات عینی که بر چگونگی کاربرد زبان مبتنی است، پیوند می‌دهد (ر.ک؛ پایا، ۱۳۸۳: ۱۶). افعال کنشی، نگرشی در باب کاربرد و معنای زبان در بافت است که مبتنی بر بافت موقعیت، معنای مورد نظر کنشگر را محقق می‌کند (Searle, 1969, p 68؛ مکاریک، ۱۳۸۴: ۲۳۶). جان سرل از جمله محققانی است که به بسط نظریه کنش گفتار کمک نموده (ر.ک؛ سرل، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۶) و کنش‌های گفتاری را به پنج نوع کنش اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی تقسیم کرده است (Searl, 1975, pp344-369).

۵-۱. کنش اظهاری (Representatives Act)

نشان دهنده باور گوینده است که از طریق آن دنیا را آن چنان که هست یا آن چنان که باور دارد، ترسیم می‌کند (ر.ک؛ یول، ۱۳۸۷، ۷۳-۷۶). در آیات جهاد، کنش اظهاری، بسامد بالایی دارد که حاکی از گفتمان قرآنی ارشاد و ارتقای فهم مخاطب است. زیرا گوینده با بیان علت، مخاطب را پیش از پرداختن به جهاد، آگاه می‌کند. برای مثال علت جهاد را در آیه‌ای این‌گونه بیان می‌کند: ﴿وَلَا يَرَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا﴾ (بقره/ ۲۱۷). همچنین قرآن، برداشت‌های نادرست در زمینه جهاد و عاقبت مجاهدان را تصحیح کرده: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْفَعُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۶۹) و در آیات گوناگون، نسبت به گفتار، رفتار و نیت منافقان و ... آگاهی بخشی می‌کند: ﴿وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَتُّونَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۴۳). آیات متعددی نیز با یادآوری جنگ‌های پیشین مانند

بدر، احد، احزاب و... نصرت‌های الهی را تبیین و از این طریق مسلمانان را برای ادامه مسیر تشویق و تشجیع می‌کند: ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يُخْزِهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ مُؤْمِنِينَ﴾ (توبه/ ۱۴). گاهی نیز از اقوام پیشین سخن می‌گوید تا مایه عبرت شود؛ برای مثال در آیه ۲۴۶ سوره بقره، خداوند گزارشی از ملأ بنی اسرائیل می‌دهد و نسبت به ادعای آنان آگاهی بخشی کرده و کذب بودن آن را مشخص می‌کند.

۵-۲. کنش ترغیبی (Directives Act)

بیانگر خواسته‌های گوینده است. این گونه کنش‌ها شامل فرامین، درخواست‌ها و پیشنهادها بوده و می‌تواند به صورت ایجابی و یا سلبی باشد (ر.ک؛ یول، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۶). در آیات جهاد، پس از کنش اظهاری، کنش‌های ترغیبی امری بیشترین تعداد افعال گفتاری را به خود اختصاص داده است. البته باید گفت تمام پاره‌گفتارهای امری در آیات جهاد مستقیماً مربوط به قتال و جهاد نیستند. از میان این تعداد در حدود ۴۸ پاره‌گفتار به طور مستقیم امر به قتال و یا جهاد دارد که در اکثر آنها قتال مقید به قید «فی سبیل الله» است و کسانی که باید با آنها قتال کرد نیز مشخص شده است: ﴿وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (بقره/ ۱۹۰). لازم به ذکر است برخی دستورات در قالب کنش ترغیبی، مخاطب خاص دارد؛ مانند خطابی که به پیامبر (ص) در آیه ۹ سوره تحریم شده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾ (تحریم/ ۹).

۵-۳. کنش اعلامی (Declarations Act)

کنشی است که بیان آن به تغییر اوضاع دنیای خارج بی‌انجامد (ر.ک؛ یول، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۶). بیشترین کارکرد کنش اعلامی، بیان عاقبت است. برای مثال آیات ۱۶۹-۱۷۱ از عاقبت گروهی صحبت می‌کند که در راه خدا کشته شده‌اند. آنها نزد پروردگار خود روزی دارند، به واسطه آنچه

خدا به ایشان عطا کرده، فرح دارند، خوف و حزنی بر ایشان نیست و به نعمت و فضل الهی بشارت داده می‌شوند. کنش گفتاری غیرمستقیمی که از بیان این نوع عاقبت حاصل می‌شود، تشویق و ترغیب مخاطب به انجام عملی است که این عاقبت را نتیجه دهد و از آن سو هم عاقبت کسانی که خالد در آتش معرفی می‌شوند، مخاطب را از مبتلا شدن به چنین عاقبتی بر حذر می‌دارد. برخی از کنش‌های اعلامی نیز به بیان حکم اشاره دارند. با توجه به رابطه خداوند و کسانی که به الله ایمان آورده‌اند، این احکام به ایشان واجب می‌شود؛ ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ﴾ (بقره/۲۱۶).

۴-۵. کنش عاطفی (Expressives Act)

نمود احساساتی از قبیل شادی، درد، علاقه، تنفر، لذت یا غم است (ر.ک؛ یول، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۶). کنش عاطفی بیشتر در آیاتی دیده می‌شود که عاقبت مجاهدان، را بیان می‌کند و به شکل غیر مستقیم مخاطب را به رسیدن به چنین عاقبتی بشارت می‌دهد؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَاً عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه/۱۱۱). در نقطه مقابل نیز کسانی که از جهاد سر باز زده‌اند سرزنش می‌نماید. برای مثال در آیه ۱۵۲ سوره آل عمران، مسلمانانی که بعد از دیدن نصرت خداوند در شکست دشمنان، دچار نزاع و سستی شدند را سرزنش می‌کند. همچنین در برخی از آیات با بیان رفتار برخی از مشرکان و منافقان، مانند فرار کردن به هنگام جنگ، بر ناتوانی آنان صحه گذاشته و آنان را به خاطر این رفتار تمسخر می‌کند. در برخی از آیات نیز در پاره گفتار نهایی مانند «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ» و یا «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ» این رویکرد مشهود است.

۵-۵. کنش تعهدی (Commissives Act)

بیانگر قصد گوینده است و شامل وعده‌ها، تهدیدها و تعهدها هستند (ر.ک: یول، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۶). کنش تعهدی، از یکسو بیان پاداش‌هایی است که خداوند وعده آنها را به مجاهدان می‌دهد؛ ﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران/ ۱۷۲) و از سوی دیگر وعیدی است نسبت به کسانی است که به سوء عاقبت رسیده و یا می‌رسند؛ ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (مائده/ ۳۳). در پاره گفتارهایی نیز خداوند تضمین می‌کند که اتفاقی در آینده و یا عاقبت رخ دهد. برای مثال زمانی که خداوند از عاقبت کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند با پاره گفتار «وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» تضمین می‌کند که اجر ایشان ضایع نمی‌شود. نوع دیگر کنش گفتاری تعهدی، معیت و همراهی است تا از این طریق مخاطب را دلگرم و تشویق نماید؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غُلظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (توبه/ ۱۲۳).

۶. تحلیل گفتمان کنش‌های گفتاری در آیات جهاد

گفتمان (Discourse) بیان منظم و منسجم از یک فکر یا ایده در موضوعی خاص است (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹). تحلیل گفتمان (Discourse analysis) بر پدیده‌ای فراتر از جمله تمرکز دارد و در آن، شناخت معنای کانونی کلام یا نوشته مد نظر است. از تحلیل گفتمان می‌توان به عنوان ابزاری قدرتمند برای فهم محتوا و ساختار استفاده کرد (ر.ک: کوبلی، ۱۳۸۷: ۶۰۰/۳). چرا که تحلیل گفتمان از جمله روش‌های کیفی در تفسیر و مطالعه در حوزه‌های گوناگون است که می‌کوشد با مطالعه عوامل فرامتنی کاری فراتر از تحلیل‌های سنتی ارائه کند و به سطحی از داده‌ها و اطلاعات منجر شود.

نظام‌های گفتمانی (system Discourse) نظام‌هایی فرایندی هستند که یا از ویژگی‌های توانشی، کنشی و شوشی برخوردارند، یا فارغ از هر توانشی، کنش‌آفرینی دارند. اگر نظام گفتمانی، مبتنی بر کارکرد و یا عملکرد عوامل گفتمانی باشد از اصل کنش، و اگر مبتنی بر نوع و یا شیوه حضور آن عوامل باشد، از اصل شوش پیروی می‌کند (ر.ک؛ شعیری، ۱۳۸۶، ۱۰۷). بدین ترتیب ما با نظام‌های گفتمانی مختلفی با توجه به ویژگی‌های نشانه-معنایی حاکم بر آنها روبه‌رو هستیم که به سه دسته کلی هوشمند، احساسی و رخدادی تقسیم می‌شوند.

۶-۱. نظام گفتمانی هوشمند

در این گفتمان شیوه ارتباط از نوع تعاملی است که بر سه نوع برنامه‌مدار، القایی و مرام‌مدار است (ر.ک؛ شعیری، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۹). «نظام گفتمانی هوشمند از نوع برنامه‌مدار، نظام تجویزی است که بر اساس رابطه یک‌طرفه بین امرکننده و کنشگر تنظیم می‌گردد؛ که همان نظام منطقی، برنامه‌مدار و کنشی است. در این نظام گفتمانی ارتباط از بالا به پایین صورت می‌گیرد» (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۹). در این نظام تجویزی، کنشگر می‌بایست بر اساس دستوری که دریافت می‌کند به اجرای برنامه و دستورات بپردازد. بخشی از کنش‌های گفتاری در آیات جهاد به بیان احکام اختصاص دارد؛ ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ﴾ (بقره/۲۱۶) در واقع فعل گفتاری در این جا، بیان حکم است که از مصدر الهی جاری می‌شود. یکی از مسائل برون‌بافتی و توجه به بافت موقعیت خصوصیات گوینده گفتمان است. «برای دریافت معنای دقیق یک جمله و متن به غیر از معناهای ظاهری کلمات و درج شده در فرهنگ لغت، عواملی همچون سن، جنس، موقعیت‌های اجتماعی، زمان و مکان، اشتراکات فرهنگی طرف‌های گفتگو نقش زیادی دارد» (ر.ک؛ کوک، ۱۳۸۸: ۵۷). از این رو در خوانش متن مقدسی مانند قرآن باید در نظر داشت که از نظر مسلمانان کسی که این کنش‌های گفتاری را ایجاد می‌کند، متفاوت از بشر عادی است. در کنش اعلامی هنگامی که گوینده خداست، اعتبار حکم جاری شده خارج از گوینده نیست. «در واقع اعتبار

حکم از سرچشمه کلام ناشی می‌شود و صدور و تحقق اعتبار آن مشروط به هیچ شرط خارجی نیست و نقض آن هم تنها به وسیله خود گوینده، یعنی خداوند میسر است» (حسینی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۵). این تفاوت در تفسیر کنش اعلامی باید در تفسیر متون دینی مورد نظر قرار گیرد. بنابراین نظام گفتمانی در کنش گفتاری اعلامی بیان حکم، نظام برنامه‌مدار است. البته باید در نظر داشت که سوی دیگر این گفتمان، انسان مختاری است که هر چند دریافت‌کننده این کنش‌های گفتاری است، اما به هر حال او بنا به باور و ایمانی که دارد، می‌تواند به این نظام تجویزی تن دهد و یا از آن سر باز بزند. زیرا این نظام تجویزی، با توجه به بافت برون‌زبانی، یک نظام تشریحی است. به هر جهت آنچه در کنش اعلامی اهمیت دارد، جایگاه گوینده است که می‌بایست توان اعلام چنین حکمی را داشته باشد و در نظام گفتمان هوشمند هم این جریان از بالا به پایین مشاهده می‌شود.

افعال گفتاری دیگری نظیر بیان عاقبت، نامیدن و اعطای عنوانی به گروهی خاص، اعلام پایان کار یک عده، آزمودن ایشان، برکنار کردن و نیز رتبه‌بندی یک گروه که در کنش‌های گفتاری آیات جهاد دیده می‌شود، کنشی است که سوی خداوند صورت می‌پذیرد. مرجعی که قدرت اعمال این کنش‌های اعلامی را داراست. در جدول زیر می‌توانید نمونه‌ای از این آیات و افعال گفتاری را مشاهده نمایید.

جدول ۱: نظام گفتمانی هوشمند از نوع برنامه‌مدار در افعال گفتاری آیات جهاد

افعال کنش اعلامی	نمونه آیات جهاد
عاقبت	وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (آل عمران/ ۱۵۷)
حکم	يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ (بقره/ ۲۱۷)
نامیدن	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا (انفال/ ۷۴)

وَمَنْ يُؤْمِرْ بِعَصَابِ اللَّهِ فَإِنَّ فَتْنَهُ أَكْبَرُ مِنْ شَرِّ مَا كَفَرُوا بِهِ وَلَا يَلْمُوكَ لِمَا فَتِنْتَهُمْ لَوْلَا مَا فَتَنَّا لَهُمُ الْغُيُوبَ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ الْبَاطِنِ (انفال/ ۱۶)	پایان کار
وَلَنْبَلُونَكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُغُوا أَمْرَكُمْ (محمد/ ۳۱)	آزمودن
سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِتَأْخُذُوا ذُرُونا نَتَّبِعُكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا (فتح/ ۱۵)	برکنار کردن
فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً (نساء/ ۹۵)	رتبه‌بندی

نظام گفتمانی برنامه‌مدار در کنش‌ترغیبی نیز مشاهده می‌شود. بیشترین کنش‌گفتاری در آیات جهاد به کنش‌ترغیبی امری اختصاص دارد. البته باید گفت تمام پاره‌گفتارهای امری در آیات جهاد مستقیماً مربوط به قتال و جهاد نیستند. از میان این تعداد در حدود ۴۸ پاره‌گفتار هستند که در آنها به طور مستقیم امر به قتال و یا جهاد ذکر شده است. این افعال گفتاری نیز از مصدر قدرت‌مندی صادر می‌شود و کنش‌های امر و نهی‌ای هستند که کنشگر را به سوی اجرای دستور و یا ترک آن سوق می‌دهند. باید در نظر داشت که انجام کنش دستوری یا نهی از کنش در کنشگر به سبب باوری است که او دارد و گرنه اطاعت یا امتناع از دستور معنایی ندارد. انجام دادن و یا ترک فعل نیز از ایمان و باوری که مخاطب گفتمان دارد، ناشی می‌شود.

جدول ۲: نظام گفتمانی هوشمند از نوع برنامه‌مدار در افعال گفتاری آیات جهاد

افعال کنش‌ترغیبی	نمونه آیات
امر	وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره/ ۲۴۴)
نهی	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفَا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَذْبَارَ (انفال/ ۱۵)

در آیات جهاد مشاهده می‌شود که در پاره‌گفتارهایی خداوند در پی بیان مصلحت حکم است. این امر می‌رساند زمانی که خداوند از گفتمان هوشمند و برنامه‌مدار در امر به کنش و یا نهی از آن بهره می‌برد، برای اینکه گفته‌یاب را به مرز کنش نزدیک کرده و توانش او را تحت تأثیر قرار دهد؛ در

موارد متعددی به تعلیل، تشریح و تبیین فرمان و یا حکم صادر شده می‌پردازد. این‌گونه مسیر گفته‌یاب را در امثال به آن نظام دستوری و یا القایی هموار می‌سازد. در واقع افعال گفتاری که در قالب کنش اظهاری در آیات جهاد آمده‌اند، به شکل‌گیری نظام گفتمانی هوشمند در آیات جهاد، کمک کرده و زمینه را برای انجام کنشی که مد نظر است، فراهم می‌کند. نمونه‌هایی از این افعال گفتاری را در آیات جهاد مشاهده می‌کنید.

جدول ۳.

افعال کنش اظهاری	نمونه آیات جهاد
تعلیل-تقیید آگاهی بخشی	و مَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّنْفِي الْجُمُعَانِ فَيَاذَنِ اللَّهُ وَ لِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ - وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبْغَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمِيذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (آل عمران/ ۱۶۶ و ۱۶۷)
توصیف- تشریح تقیید- تصحیح	وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ - فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ - سَتَبَشِّرُونَ بِبِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران/ ۱۶۹-۱۷۱)
تبیین	مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (احزاب/ ۲۳)
استثناء	إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (توبه/ ۳۶)

<p>إِذَا لَقِبْتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَخَّنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فِئَامًا مِّنَّا بَعْدَ وَ إِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ (محمد/ ۴)</p>	<p>تحدید</p>
--	--------------

نتیجه کاربرد کنش‌های اظهاری تعلیل، تبیین، تشریح، تصحیح و... را می‌توان در آیاتی مشاهده کرد که از شرکت داوطلبانه مؤمنان در جهاد و نیز از ایمان راسخ ایشان سخن به میان می‌آورند. در این آیات سطح نظام گفتمانی به نظام مرام‌مدار می‌رسد. «در این تعامل یکی از طرفین بر اساس اخلاق فردی و یا فرهنگی-اجتماعی خود را موظف به انجام عملی می‌داند. تفاوت باور در این گفتمان با گفتمان القایی این است که اینجا باور عمیق و ریشه‌ای است نه تغییر پذیر در برابر القاء. کنش مبتنی بر باورهای بنیادین اجتماعی-فرهنگی صورت می‌گیرد» (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۰۹). در تعدادی از آیات جهاد در قالب کنش اظهاری به تعریف و توصیف گروهی پرداخته می‌شود که به جهاد در راه خدا پرداخته‌اند. گفتمان حاکم بر این آیات، گفتمان هوشمند از نوع مرام‌مدار است زیرا عاملی از درون، توانش مخاطب را برانگیخته و او را به انجام کنش سوق داده است؛ ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَؤَلَّكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۱۸). اینجا تجویز و القایی در کار نیست. کنشگر بدون اینکه به کنشی خوانده شود، بر حسب وظیفه معرفتی و مرامی به کنش می‌پردازد.

نوع دیگری از نظام گفتمانی هوشمند، نظام القایی است. «در این نظام گفتمانی یکی باید موفق به متقاعد کردن دیگری برای انجام کنشی گردد. ارتباط موازی دو طرفه در جریان است. هر دو از یک موقعیت برخوردار هستند و فقط یکی می‌تواند با تأثیر بر دیگری سطح توانشی او را به کنشی تغییر دهد. در این تعامل یکی از دو طرف تعامل باید طرف دیگر را به اجرای کنش متقاعد سازد. چنین القایی راهکارهای متفاوتی دارد که عبارتند از القاء از راه چاپلوسی، وسوسه، اغوا، تحریک، تهدید یا رشوه دادن» (وفایی و شعیری، ۱۳۸۸: ۱۸). در تعدادی از آیات جهاد که گفت و گوی

منافقان را با مسلمانان مطرح می‌کند، می‌توان این نظام گفتمانی را مشاهده نمود. برای مثال در جریان جنگ احزاب گروهی از منافقان با القاء ترس در مسلمانان سعی داشتند که آنان را از مقابله با دشمنان بر حذر دارند. در آیه ۱۳ سوره احزاب منافقین از طریق گفتمان القایی و با ایجاد ترس و دلهره سعی دارند تا کنش مسلمانان را تحت تأثیر قرار دهند و به دنبال آن هستند که توانش آنها را زیر سؤال برده و آن را خنثی کنند؛ ﴿وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا اَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَاذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ اِنْ يُرِيدُونَ اِلَّا فِرَارًا﴾ (احزاب/۱۳).

۶-۲. نظام گفتمانی احساسی

شیوه ارتباط در این گفتمان هم‌ترازی حسی است و به سه دسته تنشی-عاطفی، حسی-ادراکی، زیبایی‌شناختی تقسیم می‌شود (ر.ک؛ شعیری، ۱۳۸۶: ۱۱۰-۱۱۳). «در نظام گفتمانی تنشی-عاطفی، فشارهای عاطفی به طور مستقیم بر شریک گفتمانی تأثیر گذاشته و توانش او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جوسازی تنشی-عاطفی امکان آزادی عمل یا انحراف از کنش در فرآیند را از طرف مقابل سلب می‌کند، مانند تشبیه، عصبانیت و...» (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۱۰). در آیات جهاد، کنش‌های گفتاری عاطفی به کار رفته‌اند تا مخاطب گفتمان را برای انجام عملی تشویق و یا سر باز زدن از آن عمل، توبیخ نماید. از این رو نظام گفتمانی تنشی-عاطفی را می‌توان در این افعال گفتاری مشاهده نمود. البته این افعال گفتاری در آیات جهاد بیشتر در لایه غیرمستقیم پاره گفتارها مشاهده می‌شوند. یعنی بافت سخن ما را به مقصود گوینده می‌رساند. برای مثال وقتی از بیان عاقبت گروهی سخن به میان می‌آید، فشارهای عاطفی افعال گفتاری به کار رفته، بر مخاطب تأثیر گذاشته و او را برای رسیدن به حسن عاقبت، تحریک و تشویق کرده و یا برای دور ماندن از سوء عاقبت، تحذیر می‌کنند. این کنش‌های گفتاری، توانش مخاطب گفتمان را تحت تأثیر قرار داده و با ایجاد حس، زمینه را برای انجام کنش مورد نظر آماده می‌کند. در جدول زیر می‌توانید برخی از این افعال گفتاری را در نمونه‌هایی از آیات جهاد مشاهده نمایید.

جدول ۴: نظام گفتمانی احساسی از نوع تنشی-عاطفی در افعال گفتاری آیات جهاد

افعال کنش عاطفی	نمونه آیات
تبشیر	الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (توبه/ ۲۰)
تمسخر	أَشْحَهَ عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ (احزاب/ ۱۹)
تخويف	وَ مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره/ ۲۱۷)
سرزنش	وَ لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّوهُم بِأُذُنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ (آل عمران/ ۱۵۲)
تسكين	كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (بقره/ ۲۱۶)
تحبيب	لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه/ ۸)
عدم تحبيب	وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره/ ۱۹۰)

البته باید در نظر داشت که صحبت کردن از احساس تنفر یا محبت در کنش های عاطفی که از سوی خداوند بیان می شود با آنچه در انسان ها سراغ داریم متفاوت است، زیرا بنابر باورهای کلامی خداوند فاقد این عوارض و احساسات است.

فشاره‌های تنشی-عاطفی در افعال گفتاری ترغیبی نیز مشاهده می‌شوند. در کنش ترغیبی، گوینده تلاش دارد تا مخاطب گفتمان را به انجام آن چه در نظر دارد ترغیب نماید. این افعال گفتاری نیز در لایه غیر مستقیم پاره گفتارها قابل دریافت هستند.

جدول ۵.

افعال کنش ترغیبی	نمونه آیات
تشویق	وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (آل عمران/ ۱۶۹)
تحدیر	أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيَجْزِيَ اللَّهُ خَيْرًا بِمَا تَعْمَلُونَ (توبه/ ۱۶)
تشجیع	أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج/ ۳۹)

فعل گفتاری خطاب نیز در این نظام گفتمانی جای می‌گیرد. زمانی که شخص یا گروهی مورد ندای مستقیم قرار می‌گیرند، توانش ایشان تحت تأثیر قرار گرفته و به گفتمان ایجاد شده، توجه می‌نمایند. در آیات جهاد هفت مرتبه خطاب «یا ایها الذین آمنوا» و سه مرتبه خطاب «یا ایها النبی» به کار رفته است.

در آیاتی که کنش گفتاری اظهاری در قالب یادآوری، بیان نصرت، گزارشی از اقوام گذشته آمده است، می‌توان نظام گفتمانی حسی-ادراکی را مشاهده نمود. «نظام گفتمانی حسی-ادراکی نظام تعاملی مبتنی بر نوعی هم‌سویی و ارتباط حسی است که از نوع ارتباط حضوری است. شیوه حضور هر یک از طرفین سبب تولید حسی مشابه در طرف دیگر و حرکت و کنشی مشابه در او می‌گردد. هیچ چیز از قبل قابل پیش‌بینی نیست. حسی در لحظه به وجود می‌آید. به جای ایجاد باور، ایجاد حس مشترک مطرح است. سرایت جریان حسی از یکی به دیگری صورت می‌گیرد، مانند آرامش، تشویش، شادی، تهوع و...» (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۱۱). در واقع خداوند در این آیات با بیان آنچه صورت گرفته، سعی دارد تا در مخاطب حسی را ایجاد نماید که در قالب یک حادثه و واقعه تسری

پیدا کرده و اکنون از طریق آیات قرآن برای مخاطب گفتمان قابل ادراک است. در واقع این جا حضور در محضر آیات قرآن مطرح است و حسی که از این حضور توانش مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال در آیات نهم تا دوازدهم سوره انفال به بیان و یادآوری نصرت‌هایی می‌پردازد که در جنگ بدر صورت گرفت؛ ﴿إِذْ تَسْتَعِينُونَ رَبِّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ- وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَ لِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ- إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَ يُدْهَبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ- إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ﴾ (انفال/ ۹-۱۲).

هم‌ترازی حسی که در این آیات به وجود می‌آید حاصل یادآوری و بیان نصرتی که در قالب کنش اظهاری بیان شده است. در این جا هم توانش مخاطب زمان نزول را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم کسی که بعدها مخاطب این گفتمان قرار می‌گیرد، درگیر حسی مشترک می‌شود. گویی یک جریان حسی میان کسانی که به این نصرت دست یافته‌اند و نیز مخاطبان امروزی گفتمان به وجود می‌آید. نظام گفتمان احساسی که در این آیات دیده می‌شود، توانش کنشگری را که به قصد جهاد حرکت می‌کند، ارتقاء می‌دهد.

مشابه این کنش را می‌توان در آیاتی مشاهده کرد که خداوند خطاب به پیامبر (ص) گزارشی از اقوام گذشته ارائه می‌دهد. در این کنش اظهاری نیز هم‌ترازی حسی میان پیامبر (ص) و رسولی که رفتار قوم ایشان ذکر شده، ایجاد می‌شود. مانند آیه ۲۴۶ سوره بقره که این آیه مربوط به بنی اسرائیل است که از نبی زمان خود خواستند که فرمانده‌ای برای آنها بفرستد که همراه او قتال کند. این آیه بیان ادعای ایشان و گفت و گویی است که میان ایشان با نبی رخ داده است.

نمونه دیگری از این گفتمان حسی-ادراکی را می‌توان در آیاتی مشاهده کرد که به تصویرسازی احوال منافقان می‌پردازد. برای مثال در آیات ۱۸ تا ۲۰ سوره احزاب با شرح احوال منافقان، حسی از تمسخر در مخاطب گفتمان نسبت به رفتاری که منافقان داشته‌اند ایجاد می‌گردد و این جریان

حسی در طول تاریخ باقی می‌ماند؛ ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ - أَشْحَهُ عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْحُوفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْحُوفُ سَلَقُوكُمْ بِاللِّسَنَةِ حِدَادٍ أَشْحَهُ عَلَى الْحَبِيرِ أَوْلَيْكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَانَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا - يَخْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَّا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱۱۶﴾. این آیات آگاهی خداوند از منصرف‌کنندگان و بازدارندگان از جهاد را بیان می‌کند. خداوند یک گفتمان حسی-ادراکی ایجاد می‌کند تا درک حالات منافقان در درک گفتمان آیه به کار آید.

۳-۶. نظام گفتمانی رخدادی

شیوه ارتباط در این گفتمان ابرکنشی است. ظهور و بروز معنا برق‌آسا بوده و از برنامه از پیش تعیین شده و یا تعامل حسی تبعیت نمی‌کند. در این شیوه رابطه تعاملی موازی برقرار نیست. سرعت کنش در گونه‌های رخدادی بالا است؛ برای همین فرصتی برای تعامل و برنامه‌ریزی باقی نمی‌ماند. این نظام گفتمانی بر سه قسم است، مبتنی بر اقبال، مشیت الهی و تصادف (ر.ک؛ شعیری، ۳۸۶، ۱۱۴-۱۱۶). از میان این سه نظام گفتمانی، با توجه به بافت موقعیت که گفتمان آیات جهاد در آن شکل گرفته‌اند و بر آمده از یک نگاه دینی و الهی است، نظام گفتمانی مبتنی بر اقبال و تصادف در این جا محلی از اعراب ندارند. زیرا در نگاه دینی «هیچ رخدادی نیست که بیهوده یا تصادفی به وقوع بپیوندد، بلکه هر رخدادی برابر حکمت مقدر و فلسفه مقرر و مطابق با تدبیر منظور و تقدیر مقصود، روی می‌دهد» (سید قطب، ۱۳۸۷: ج ۵، ۱۷۴). تا جایی که افتادن یک برگ از درخت هم به صورت تصادفی صورت نمی‌گیرد. در نگرش تصادفی مبدأ مشخص نیست و از سوی دیگر چون بر اساس تصادف است راه به مقصدی هم نمی‌برد. به معنی دیگر علت فاعلی و علت غایی مطرح نیست، در حالی که در نگاه دینی این امر مورد پذیرش نیست.

در آیات جهاد افعال گفتاری که در قالب کنش تعهدی آمده‌اند، می‌توانند در نظام گفتمانی رخدادی از نوع مشیت الهی قرار بگیرند. «نظام گفتمانی مبتنی بر مشیت الهی حکایت از حضور مرجعی قدرتمند و فرا بشری دارد. منشأ اصلی همه توانش‌ها و کنش‌ها است. بی‌آنکه بخواهیم یا انتظار آن را داشته باشیم رخ می‌دهد. امکان تغییر شرایط را نداریم، مگر با دعا و نذر. نظامی سلسله مراتبی است شامل دهنده-گیرنده، معنابخش-معنایاب. در نظام القایی دو نیروی یکسان است که در نهایت یکی بر دیگری تسلط می‌یابد اما اینجا صحبت از اراده و مشیت الهی است. قبل از ورود به تعامل باور به برتری‌اش شکل گرفته است. منبع مشخص است و عامل انسانی می‌داند از چه کسی کمک می‌گیرد» (شعیری، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۱۶).

وعده‌ها و وعیدها و نیز سوگندها و تضمین‌های که در آیات جهاد آمده است، کنش‌هایی است که از سوی مرجعی قدرتمند صورت می‌گیرد و کنش‌ها و توانش‌های گفته‌یابان و مخاطبان گفتمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نمونه بارز چنین تأثیری را می‌توان در امدادهای غیبی و نصرت‌هایی مشاهده کرد که در خلال آیات جهاد به آنها اشاره شده است. در جدول زیر می‌توانید نمونه‌هایی از این افعال کنشی را مشاهده نمایید که ذیل نظام گفتمانی رخدادی تعریف می‌شوند.

جدول ۶.

افعال کنش تعهدی	نمونه آیات
وعده	فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (آل عمران/ ۱۹۵)
تضمین	
سوگند	
وعید	إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُجَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ هُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (مانده/ ۳۳)

و الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت/ ۶۹)	معیت
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (احزاب/ ۹)	نصرت

بحث و نتیجه‌گیری

بیان ارتباط کنش‌های گفتاری و نیز تبیین نظام‌های گفتمانی برای رسیدن به تحلیل گفتمان آیات جهاد ضروری است. افعال گفتاری در آیات جهاد، نظام‌های گفتمانی را به وجود می‌آورند که در آن، به ترتیب کنش اظهاری، ترغیبی، اعلامی، عاطفی، تعهدی به ترتیب دیده می‌شوند. در این آیات نظام گفتمانی هوشمند از نوع برنامه‌مدار، القایی و مرام‌مدار- نظام گفتمانی احساسی از نوع تنشی-عاطفی و حسی-ادراکی و نیز نظام گفتمان رخدادی مبتنی بر مشیت الهی دیده می‌شود. کاربری گفتمان هوشمند و برنامه‌مدار در امر به کنش و یا نهی از آن، برای این است که گفته‌یاب را به مرز کنش نزدیک کرده و توانش او را تحت تأثیر قرار دهد؛ در موارد متعددی به تحلیل، تشریح و تبیین فرمان و یا حکم صادر شده می‌پردازد. این‌گونه مسیر گفته‌یاب را در امثال به آن نظام دستوری و یا القایی هموار می‌سازد. در واقع افعال گفتاری که در قالب کنش اظهاری در آیات جهاد آمده‌اند، به شکل‌گیری نظام گفتمانی هوشمند در آیات جهاد، کمک کرده و زمینه را برای انجام کنشی که مد نظر است، فراهم می‌کند. در کنار این امر، نظام گفتمانی احساسی در قالب افعال گفتاری عاطفی و ترغیبی به کمک آمده و با ایجاد حس، در واقع گفتمان شور و شعور را کامل می‌نمایند. نظام گفتمانی رخدادی نیز در قالب افعال گفتاری تعهدی به مرجعی فراتر و مانا اشاره دارد و روشن می‌سازد که در کنار اوامر و احکام جهاد، بیان مصلحت احکام، ایجاد فشارهای تنشی-عاطفی، مشیت خداوند بر نصرت و یاری گروهی که در راه خدا به جهاد و قتال می‌پردازند، قرار گرفته است. از این رو باید برای خوانش صحیح و کامل از آیات جهاد و رسیدن به فعل مضمون

در سخن که همان مقصود گوینده است، باید به ترکیب جامعی از نظام‌های گفتمانی بر آمده از افعال گفتاری که از تحلیل گفتمان مجموعه این آیات بیرون می‌آید، نظر داشت که روح حاکم بر آیات جهاد است و که به لحاظ محتوایی مؤلفه‌هایی چون اولویت صلح و مدارا و دفاع از مظلومان است.

منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۷۶ ش). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: ایران.
۲. آقا گل‌زاده، فردوس. (۱۳۷۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۹۸ م). *جمهره اللغه*. بیروت: دارالعلم الملايين. چاپ اول.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ ق). *المحکم المحيط الاعظم*. با تحقیق عبدالحمید هنداوی. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ اول.
۵. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ ق). *تهذیب اللغه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول.
۶. اکبری، محسن؛ شیرین‌کار، محمد. (۱۳۹۵). «بازخوانی آراء مفسران سده اخیر در آیات جهاد»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری، سال هفتم. شماره ۲۷.
۷. پایا، علی. (۱۳۸۳). *فلسفه تحلیلی؛ مسائل و چشم‌اندازها*. تهران: طرح نو.
۸. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). *گفتمان و تحلیل گفتمان*. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.

۹. جبعی عاملی، زین‌الدین. (بی‌تا). *الروضه البهیه فی شرح اللعمه الدمشقیه*. دارالعالم اسلامی.
۱۰. حسینی محمد؛ رادمرد، عبدالله. (۱۳۹۴). «تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار: مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم. دو ماهنامه جستارهای زبانی. دوره ۶. شماره ۳. صص ۶۵-۹۲.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم. چاپ اول.
۱۲. سرل، جان راجرز. (۱۳۸۵). *افعال گفتاری؛ جستاری در فلسفه زبان*. ترجمه محمد علی عبداللهی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. قطب، سید. (۱۳۸۷). *فی ظلال القرآن*. مترجم مصطفی خرم‌دل. چاپ دوم. تهران: احسان.
۱۴. شعیری، محمدرضا. (۱۳۸۶). «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه‌معناشناختی». مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی. شماره ۲۱۹. صص ۱۰۶-۱۱۹.
۱۵. صفوی، کورش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معناشناسی*. تهران: سوره مهر (پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی).
۱۶. عبد الباقی، محمد فؤاد. (۱۳۶۴). *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*. قاهره: دارالکتب المصریه.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. چاپ دوم. قم: هجرت.
۱۸. قاسم‌پور گنجه‌لو، زهرا و دیگران. (۱۳۹۵). «معناشناسی واژه جهاد در قرآن کریم»، سراج منیر. سال هفتم. شماره ۲۳. صص ۱۳۰-۱۵۰.
۱۹. فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات رسانه.

۲۰. کوبلی، پاول. (۱۳۸۷). *نظریه‌های ارتباط*. مترجم: احسان شاقاسمی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۱. کوک، گای. (۱۳۸۸). *زبان شناسی کاربردی*. ترجمه مصطفی حسرتی، فریبا غضنفری و عامر قیطوری. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی کرمانشاه.
۲۲. گلدزیهر، اگناس. (۱۳۷۸ ق). *العقیده و الشریعه فی الاسلام*. مصر: دارالکتب الحدیثه.
۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۷). *جنگ و جهاد در قرآن*. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۴. مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. چاپ سوم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۵. مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۸۴). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
۲۶. نجفی، محمد حسن. (۱۴۱۳ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۷. وفایی، ترانه و شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۸). *راهی به نشانه-معناشناسی سیال با بررسی مورد ققنوس نیما*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. یول، جورج. (۱۳۸۷). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

29. Brinton, L. j. (2000). *The Structure of English: A Linguistic Introduction*, Vol 1. John Benjamins publishing Co, Amsterdam.

30. Searle, J.R. (1969). *Speech Acts: an Essay in the philosophy of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
31. Searle, J.R. (1975). *A taxonomy of illocutionary acts. Language and knowledge*. Minneapolis: university of Minneapolis press.

